



بررسی ترجمه‌های انگلیسی منطق‌الطیر عطار بر پایه‌ی برداشت درست از متن مبدأ (مطالعه‌ی موردی ترجمه‌های شعله و لپی و دیک دیویس از داستان شیخ صنعان)

سونیا نوروزی جعفرلو* 

محمدحسین نیکدار اصل** 

عبدالواحد ظریفی*** 

الهام خلیلی جهرمی**** 

چکیده

ترجمه‌ی شعر مستلزم فهم درست آن است. معمولاً دشواری فهم شعر سبب برداشت نادرست مترجمان از آن و بروز خطا در ترجمه می‌شود. پژوهش حاضر به شیوه‌ی توصیفی و با رویکرد انتقادی به واکاوی ترجمه‌های شعله و لپی و دیک دیویس از منطق‌الطیر عطار با تمرکز بر داستان شیخ صنعان می‌پردازد و وفاداری مترجمان به متن مبدأ و برداشت درست ایشان را از آن ارزیابی می‌کند. بررسی ترجمه‌های یادشده نشان می‌دهد که اشکال اصلی هر دو ترجمه در فهم ساخت‌های کنایی و نحوی متن مبدأ است. این مسئله پیامد دانش ناقص ادبی و اطلاعات ناکافی مترجمان از زبان هنری شعر است. خطای دیگری که در هر دو ترجمه نمونه‌هایی از آن وجود دارد، ایرادات ناشی از خوانش نادرست متن مبدأ است. خوانش متون فارسی، به دلیل نبودن حرکت‌گذاری در رسم‌الخط فارسی و وجود کلمات هم‌آوا در زبان فارسی، دشوار است. این دشواری گاه خوانندگان فارسی‌زبان را هم به چالش می‌کشد. یکی از موارد قابل توجه که در فرایند ترجمه میان متن مبدأ و مقصد شکاف ایجاد می‌کند،

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران s.noroozi.jafarloo@gmail.com

** دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران mnikdarasl@yu.ac.ir (نویسنده‌ی مسئول)

*** دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران vzarifi@yu.ac.ir

**** استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران khalilijahromi115@yahoo.com

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۸/۲۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۲/۲۷

DOI: 10.22099/JBA.2024.50161.4525

شاپا الکترونیکی: ۷۷۵۱ - ۲۹۸۰



COPYRIGHTS ©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY-NC 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the Original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publisher.

اختلافات فرهنگی شاعر و مترجم است. در ترجمه‌ی دیویس، به‌عنوان مترجم غیرفارسی‌زبان، شواهدی از پایبند نبودن به متن مبدأ به‌دلیل تفاوت فرهنگی جامعه‌ی مبدأ و مقصد وجود دارد. در این نمونه‌ها، گرایشات فرهنگی مترجم (جامعه‌ی مقصد) سبب تعدیل متن به نفع فرهنگ مقصد شده است. بر مبنای یافته‌های این پژوهش، ترجمه‌ی وُلپی نسبت به دیویس به متن اصلی نزدیک‌تر است.

واژه‌های کلیدی: برداشت درست از متن، ترجمه‌ی منطق‌الطیر، دیویس، نقد ترجمه، وُلپی.

۱. مقدمه

ترجمه، برگردان یک متن از یک جامعه‌ی زبانی (زبان مبدأ) به جامعه‌ی زبانی دیگر (زبان مقصد) بدون تغییر در صورت و معنا است (رک. صفوی، ۱۴۰۰: ۹). بر این اساس اولین رسالت مترجم، امانت‌داری نسبت به متن مبدأ است؛ اما چون دو زبان هرگز همانند نیستند، همچنان‌که دنیای اهالی دو زبان همسان نیست، امانت‌داری نسبت به متن مبدأ کار دشواری است. همواره به‌دلیل تفاوت‌های زبانی و فرهنگی جامعه‌ی مبدأ و مقصد، این خطر وجود دارد که جنبه‌هایی از متن مبدأ در زبان مقصد درک نشود؛ بنابراین مترجم باید ضمن حفظ امانت، متن را برای جامعه‌ی مقصد نیز قابل فهم کند. این دشواری در ترجمه‌ی متون ادبی بسیار بیشتر است. «در ترجمه‌ی متن ادبی برگزیدن معادل مناسب برای واژه‌ها، رابطه‌ی مستقیم با دانش مترجم از محیط متن مبدأ دارد. هرچه این محیط ویژه‌تر و آمیختگی‌اش با فرهنگ جامعه‌ی مبدأ بیشتر باشد، ترجمه دشوارتر خواهد بود» (همان: ۵۴). ترجمه‌ی شعر دشوارترین و شاید ارزنده‌ترین نوع ترجمه‌ی ادبی به شمار می‌آید؛ زیرا در شعر «زبان دارای دو نقش اصلی ارتباطی و زیبایی‌شناختی است و هرقدر از ظرفیت زیباشناختی زبان در متن مبدأ بیشتر استفاده شده باشد، ترجمه‌ی آن نیز دشوارتر است» (صلح‌جوی، ۱۴۰۰: ۲۲). در شعر، معنا و صورت درهم تنیده‌اند و زبان شعر عمده‌تأً ضمنی است. این مسئله باعث ایجاد برداشت‌های متعدد و گاه نادرست از شعر می‌شود (رک. بیکر و سالدینیا، ۱۳۹۶: ۲۵۵-۲۶۰).

دشواری انتقال هم‌زمان صورت و معنای شعر و وقوف بر مشخصاتی از متن اصلی که نمی‌توانند در فرهنگ زبانی مقصد بیان شوند، گروهی را به باور «ترجمه‌ناپذیری شعر» رسانده است (رک. همان: ۲۵۳-۲۵۴). ترجمه‌ناپذیری یعنی برخی از مفاهیم زبان مبدأ را نمی‌توان به زبان مقصد انتقال داد؛ زیرا خارج از ظرفیت زبان مقصد است. ریشه‌ی این مسئله در پدیده‌ی «نسبیت زبانی» است. نسبیت زبانی یعنی اینکه هر زبان در حوزه‌ی خاصی ممکن است از زبان‌های دیگر غنی‌تر باشد؛ برای نمونه عرب‌ها در زمینه‌ی شتربانی، اسکیموها در مورد برف و فارسی‌زبان‌ها در حوزه‌ی عرفان، شبکه‌ی گسترده و ظرفی از اصطلاحات دارند. وجود این حوزه‌های خاص اصطلاحی در زبان مبدأ و نبود آن در زبان مقصد، عامل ترجمه‌ناپذیری برخی متون است (رک. صلح‌جوی، ۱۴۰۰: ۴۲-۴۴).

در فرهنگ غرب شیموس هینی (Seamus Heaney) و رابرت فراست (Robert Frost) ... مباحثی در این زمینه داشته‌اند. در فرهنگ ما نیز نخستین بار جاحظ در کتاب *الحيوان* به ترجمه‌ناپذیری شعر اشاره کرده است (رک. شفیعی کدکنی، ۱۳۸۱: ۷۴۳-۷۴۴). در میان پژوهشگران معاصر نیز شفیعی کدکنی مقاله‌ای باعنوان «در ترجمه‌ناپذیری شعر» دارد. از این حیث آسیب‌های وارده به شعر در ترجمه نسبت به سایر گونه‌های ادبی بیشتر و لزوم آشنایی مترجم با موقعیت زمانی، فرهنگی و مکانی متن مبدأ چند برابر است. درباره‌ی شعر عرفانی زبان فارسی، مسئله به‌مراتب پیچیده‌تر است.

چنانچه در بحث «نسبیت زبانی» عنوان شد، زبان فارسی در مقوله‌ی عرفان، زیرساختی غنی از واژگان، تعبیر و اصطلاحات دارد. پرواضح است که بازسازی معنی از این زبان غنی در زبان‌های دیگر تاچه حد می‌تواند چالش‌برانگیز باشد.

شفیعی کدکنی در مقدمه‌ی منطق‌الطیر معتقدست که شعر عرفانی زبان فارسی، سه موج بزرگ دارد: خیزاب اول، سنایی و دومین خیزاب، عطار و کوه‌موج بعدی، مولوی است. شعر عرفانی را که سنایی شروع کرد، عطار پرورش داد و مولانا به عالی‌ترین حد رساند (رک. عطار، ۱۴۰۱: ۳۸). طرفه آنکه بیشتر پژوهشگران معتقدند، اندیشه و شعر مولوی، به‌عنوان قلّه‌ی شعر عرفانی، متأثر از عطار است؛ چنان‌که فروزانفر می‌گویند: «کثرت مطالب و حکایاتی که مولانا از آثار عطار در مثنوی و غزلیات شمس اقتباس کرده، دلیلی بر آن است که وی را به آثار عطار انس و عشق تمام است» (فروزانفر، ۱۳۵۳: ۷۳-۷۰). منطق‌الطیر را می‌توان شاهکار آفرینش‌های ادبی عطار دانست. منظومه‌ای در بیان دشواری‌های سلوک که در قالب توصیف سفر مرغان به‌سوی سیمرغ و شرح ماجراهای ایشان است. «داستان منطق‌الطیر، یک تمثیل رمزی کوتاه است که با تمثیل‌های متعدد حجیم شده است. تمثیل است چون نماینده‌ی معنایی است که مؤلف آگاهانه در آن پنهان کرده است؛ رمزی است؛ زیرا در سطح ظاهر کلمات، مدلول واقعی قرار ندارد» (پورنامداریان، ۱۳۹۴: ۲۸۷).

در دویست سال اخیر در پی اقبال گسترده‌ی مستشرقین، ترجمه‌های مختلفی از آثار ادبی زبان فارسی به‌ویژه متون عرفانی، نظیر منطق‌الطیر عطار انجام شده است. نخستین بار منطق‌الطیر به زبان آلمانی ترجمه شده و اولین ترجمه‌ی انگلیسی آن را فیتز جرال (FitzGerald) انجام داده است. پس از جرال، مترجمان دیگری نیز در ترجمه‌ی منطق‌الطیر طبع آزمایی کرده‌اند:

FitzGerald, Edward (tr.) (1889). *Bird Parliament: A Bird's-Eye view of the Bird Parliament*, London and New York: Macmillan and Co.

Nott, Charles Stanley (tr.) (1954). *The Conference of The Birds: Mantiq Ut-Tair; a Philosophical Religious Poem in Prose* (1st ed.), London: The Janus Press, reissued by Routledge and Kegan Paul Ltd, 1961.

Davis, Dick (tr.); Darbandi, Afkham (tr.) (1984). *The Conference of the Birds*. Penguin Classics, ISBN 0140444343, re-edited in 2013 as *The Canticle of the Birds: Illustrated Through Persian and Eastern Islamic Art*, published by Diane de Sellier (Éditeur.), ISBN 2364370310.

Avery, Peter (tr.) (1998). *The Speech of the Birds*. Islamic Texts Society, ISBN 0946621705

Masani, R. P. (tr.) (2001). *Conference of the Birds: A Seeker's Journey to God*, Weiser Books, ISBN 1609252233.

Wolpé, Sholeh (tr.) (2017). *The Conference of the Birds*. W. W. Norton & Co, ISBN 393292193.

به‌منظور ارائه‌ی ترجمه‌ای اصیل از منطق‌الطیر، مطابق با زبان و اندیشه‌ی عطار و نظر به سطح دشواری و ظرافت امر ترجمه، واکاوی و ارزیابی ترجمه‌های موجود ضروری می‌نماید. در این پژوهش، نگارندگان ترجمه‌های شعله وُلپی (Sholeh Wolpé) و دیک دیویس (dick davis) از منطق‌الطیر را انتخاب و با تمرکز بر داستان «شیخ‌صنان»، وفاداری مترجمان به متن مبدأ و برداشت درست ایشان از متن را ارزیابی و تحلیل کرده‌اند. امتیاز ویژه‌ی این دو ترجمه علاوه بر جدید بودنشان، این است که هر دو مترجم زبان فارسی می‌دانند و ترجمه را مستقیم از زبان فارسی به انگلیسی (بدون حضور زبان واسط) انجام داده‌اند؛ نه مانند ترجمه‌ی فیتز جرال که بر اساس ترجمه‌ی فرانسوی دوتاسی (de Tassy) انجام شده است. البته وُلپی اصالتاً فارسی‌زبان، ولی دیویس غیر فارسی‌زبان است. دیگر اینکه دو مترجم، شاعرانی توانمند هستند که بر ظرایف سخن ادبی اشراف دارند و مجموعه شعرهایی به زبان انگلیسی دارند.

ترجمه‌ی دیک دیویس از منطق‌الطیر

دیک دیویس (۱۹۴۵)، متوگلد انگلستان، استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آهایو، شاعر و مترجم است. او دانش‌آموخته‌ی دانشگاه کمبریج در رشته‌ی ادبیات انگلیسی است. مطالعه‌ی ترجمه‌ی فیتز جرالد از خیام، نخستین آشنایی دیویس با ادبیات فارسی است که همین آشنایی او را به ایران کشاند. دیویس از سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۸ در ایران مشغول به تحقیق در ادب پارسی بود و در بازگشت به انگلستان در مقطع دکتری ادبیات پارسی از دانشگاه منچستر فارغ‌التحصیل شد.

اولین ترجمه‌ی او از متون فارسی، ترجمه‌ی منطق‌الطیر با همکاری افخم دربندی، همسرش، است. «این ترجمه بر اساس تصحیح صادق گوهرین انجام شده» (عطّار، ۱۹۸۴: ۴۱) و نخستین بار در سال ۱۹۸۴ انتشارات Penguin Classics آن را با نام *The Conference of the Birds* چاپ کرده است. ترجمه‌ی یادشده در قالب نظم انگلیسی و شامل کل ابیات منطق‌الطیر به جز بخش تحمیدیه (در توحید باری تعالی و نعت رسول) و خاتمه (سخن پایانی عطّار در وصف حال خویش) است (رک. عطّار، ۱۹۸۴: ۳۹).

دیویس این ترجمه را در سال ۲۰۱۳ بازبینی و آن را توسط انتشارات Diane de Sellier Éditeur، با عنوان *The Canticle of the Birds: Illustrated Through Persian and Eastern Islamic Art* چاپ کرد. در این ویراست، بخش‌های تحمیدیه و خاتمه نیز افزوده شده‌اند. وی در مصاحبه‌ای با مجله‌ی مترجم، درباره‌ی ترجمه‌ی منطق‌الطیر می‌گوید: عرفان همیشه مرا جذب کرده است؛ از آن جهت که عرفان به شعر، شوق و زیبایی می‌بخشد... در مورد ترجمه‌ی منطق‌الطیر هم باید بگویم، ترجمه‌ها مانند معشوقه‌ها هستند؛ آن‌ها که وفادارند، زیبا نیستند. زمانی که منطق‌الطیر را ترجمه کردم، جوان بودم و زیبایی را بیشتر دوست می‌داشتم. بیشتر از همه می‌خواستم شعر خوب و روان انگلیسی بنویسم (رک. دیویس، ۱۳۷۶: ۲۳-۲۴).

ترجمه‌ی شعله ولپی از منطق‌الطیر

شعله ولپی (۱۹۶۲) زبان‌شناس، شاعر، نویسنده و مترجم ادبی ایرانی‌الاصل است که سال‌های نوجوانی را در بریتانیا گذراند و سپس به ایالات متحده مهاجرت کرد. او ترجمه‌ی متون ادبی زبان فارسی را با ترجمه‌ی گزیده‌ای از اشعار فروغ فرخزاد به زبان انگلیسی آغاز کرد و سپس با ترجمه‌ی منطق‌الطیر ادامه داد. ترجمه‌ی ولپی از منطق‌الطیر بر اساس تصحیح شفیع کدکنی و در قالب شعر معاصر است (رک. عطّار، ۲۰۱۷: ۲۱-۲۲). در سال ۲۰۱۷ انتشارات W. W. Norton & Company این ترجمه را با نام *The Conference of the Birds* چاپ کرده است. ولپی معتقد است که ترجمه زمانی تبادل فرهنگی را ممکن می‌سازد که غرابت (حالت بیگانگی) متن مبدأ در زبان مقصد حفظ شود. وی به این مهم در ترجمه‌ی منطق‌الطیر توجه داشته است (رک. عطّار، ۲۰۱۷: ۲۱-۲۲).

او درباره‌ی روند ترجمه‌ی منطق‌الطیر می‌گوید که دوست ندارم اشعار را لغوی ترجمه کنم؛ زیرا معتقدم مترجم با انتقال شعر از یک زبان به زبانی دیگر روح شعر را از بین می‌برد. در ترجمه‌ی منطق‌الطیر تلاش کردم تا اثری بسازم که روح و ارزش ادبی شعر ایرانی را حفظ کند و همزمان برای مخاطب انگلیسی قابل‌درک باشد (بخشی از مصاحبه‌ی ولپی با خبرگزاری ایبنا در تاریخ دوم اسفند ۱۳۹۶).

ترجمه‌های دیویس و ولپی از اقبال گسترده‌ی منتقدان و محققان بسیاری برخوردارند. این ترجمه‌ها از سوی منتقدین به‌خاطر جذابیت و قابل‌درک بودن در زبان انگلیسی موردتحمین قرار گرفته و به‌عنوان اثر ارزشمندی به خوانندگان انگلیسی‌زبان معرفی شده‌اند. وجود پژوهش‌های متعدد بر ترجمه‌های یادشده در پایگاه‌های استنادی معتبر داخلی و خارجی، گواه توجه چشمگیر پژوهشگران به آن‌هاست که به نمونه‌هایی از این پژوهش‌ها در پیشینه‌ی پژوهش حاضر اشاره شده است. همچنین از این ترجمه‌ها به‌عنوان منبع در پژوهش‌های انجام شده بر آثار عطار به‌شکل عام و منطق‌الطیر به‌شکل خاص استفاده شده است. نمونه‌هایی از این پژوهش‌ها در ادامه آورده شده است:

- Bond, B. E. (2020). *Teaching Islam in song: Storytelling and Islamic meaning in sindhi sufi poetry performance*. Asian Music, 51(2), 39-71.
- Wehrs, D. R. (2023). *Ethical Sense and Literary Significance: Deep Sociality and the Cultural Agency of Imaginative Discourse*. Routledge.
- Afreen, S., Zahoor, A., Kousar, T., & Kainat, M. (2023). *Development of Collective Unconscious with Reference to Temporal Settings in The Conference of Birds*. Journal of Asian Development Studies, 12(3), 648-658.
- Afreen, S., Raza, M., Munir, S., & Riaz, W. (2023). *Existential Enigma and Spiritual Development: A Comparative Analysis of the Selected Translated Texts*. Journal of Asian Development Studies, 12(3), 694-707.
- Ridgeon, L. (2022). *A Study of a Medieval Persian Hagiography and Interactions Between Sufis and Christians in Rum and Upper Mesopotamia*. The Maghreb Review, 47(3), 235-259.
- Tyson, A. (2024). *The Debate Over Mystical Monism in the 17th Century: The "Unity of Existence" and Non-Muslims in the Ottoman and Mughal Empires* (Doctoral dissertation, University of California, Riverside).
- Moradi, S. R. (2019). *Romantic love: A treatment approach*. Psychological Perspectives, 62(2-3), 224-242.
- Mohomed, C. (2022). *The Whole Earth is a Mosque*. Islamic Perspective, 28, 73.
- Curtis, L. R., & Curtis, L. R. (2019). Noor Inayat Khan: Conceptualizing Resistance During World War II. Writing Resistance and the Question of Gender: Charlotte Delbo, Noor Inayat Khan, and Germaine Tillion, 59-94.

از دیگر سو ترجمه‌های دیویس و ولپی، مرجع خلق پروژه‌های هنری نیز بوده‌اند. فارح بهبهانی (Fareh Behbehani) و مایکل بریکه (Michael Brike) با ادغام خلاقانه‌ی متن و تصویر، ترجمه‌ی ادبی دیویس را به نمادهای بصری تبدیل کرده‌اند. همچنین پیتتر سیس (Peter Sís) و الکسیس یورک لومبارد (Alexi York Lombard) نیز بر اساس ترجمه‌ی دیویس در قالب کتاب‌های مصور به بازگویی داستان‌های منطق‌الطیر پرداخته‌اند. بر اساس ترجمه‌ی ولپی نیز نمایش‌ها و اپراهایی اجرا شده است.

پژوهش حاضر با نگاه انتقادی و به شیوه‌ی توصیفی در پی پاسخ به پرسش‌های زیر است:

۱. ترجمه‌های ولپی و دیویس از منطق‌الطیر عطار تاج‌حد به متن مبدأ وفادارند؟
۲. آیا مترجمان برداشت و فهم درستی از متن مبدأ (منظومه‌ی فکری و زبان هنری عطار، عرفان ایرانی-اسلامی، زیرساخت‌های فرهنگی جامعه‌ی مبدأ، امکانات زبانی متن مبدأ...) داشته‌اند؟
۳. آیا فارسی‌زبان یا غیرفارسی‌زبان بودن مترجمان در فهم درست متن مبدأ و انتقال کامل زبان و اندیشه‌ی شاعر به جامعه‌ی مقصد اثر دارد؟ اگر چنین است، چگونه؟
۴. چه عواملی بر فهم نادرست متن مبدأ و تحریف آن در ترجمه اثر می‌گذارند؟

۱.۱. روش پژوهش

این پژوهش به شیوه‌ی کیفی و از نوع تحلیل متن است که در روند اجرای آن دو ترجمه از منطق/طیر انتخاب شده است:

- ترجمه‌ی شعله وُلی (۲۰۱۷) که بر اساس تصحیح شفیع‌ی کدکنی از منطق/طیر انجام شده است.^۱
- ترجمه‌ی دیک دیویس (۲۰۱۳) که بر اساس تصحیح گوهرین از منطق/طیر انجام شده است.^۲

نخست با خوانش دقیق متن مبدأ (تصحیح شفیع‌ی کدکنی از منطق/طیر) و متن مقصد (ترجمه‌ی وُلی از منطق/طیر) معادل هر بیت (با ذکر شماره‌ی بیت) از متن مبدأ در متن مقصد مشخص شد. همین فرایند برای تصحیح گوهرین و ترجمه‌ی دیویس نیز اجرا شده است؛ سپس برای ارزیابی صحت ترجمه در قالب ترجمه‌ی معکوس (back translation)، ترجمه‌های انگلیسی به فارسی برگردانده شدند. «ترجمه‌ی معکوس، فرایند بازگرداندن متنی از زبان مقصد به زبان مبدأ است که از آن در آزمودن صحت ترجمه استفاده می‌شود» (صلح‌جوی، ۱۴۰۰: ۷۷). پس از مطابقت متن اصلی و ترجمه‌ی آن نسبت به آسیب‌شناسی ترجمه‌ها اقدام شد. به این منظور اختلافات احتمالی میان متون مبدأ و مقصد و همچنین قسمت‌های کاسته‌شده یا برافزوده‌ها در متن مقصد مشخص شد. در ادامه با رجوع به شرح و تعلیقات مصححان بر متن مبدأ، فرهنگ لغت‌های فارسی و انگلیسی، فرهنگ‌های اصطلاحات عرفانی و سایر منابع موجود درباره‌ی منظومه‌ی فکری عطار، درستی برداشت مترجمان از متن مبدأ و میزان وفاداری ایشان به متن مبدأ ارزیابی شد.

۱.۲. پیشینه‌ی پژوهش

در حوزه‌ی ترجمه‌پژوهی آثار عرفانی، پژوهش‌های متعددی انجام شده است؛ برای نمونه شیرین رزمجو بختیاری (۱۴۰۰)، در طرح پسادکتری خویش باعنوان «بررسی و آسیب‌شناسی ترجمه‌ی فارسی‌زبانان و انگلیسی‌زبانان از غزل‌های حافظ» به مطالعه‌ی ترجمه‌های انگلیسی غزل‌های حافظ پرداخته و در مقاله‌ای باعنوان «بررسی ترجمه‌ی انگلیسی غزلی از حافظ بر پایه‌ی برداشت درست از متن» نمونه‌ای از مقایسه و تحلیل چند ترجمه از یک غزل را ارائه کرده است. در ترجمه‌پژوهی آثار عطار و به شکل خاص ترجمه‌های انگلیسی منطق/طیر نیز پژوهش‌هایی وجود دارد؛ برای نمونه کریستوفر شاکلی (Christopher Shackle) در مقاله‌ای که در سال ۲۰۰۷ در کتابی باعنوان *Attar And The Persian Sufi* "Tradition: The Art of Spiritual Flight" به چاپ رسیده است، به معرفی اجمالی ترجمه‌های منطق/طیر با تمرکز بر داستان «شیخ صنعان» پرداخته است. صابر نوعی (۲۰۱۸)، نیز در مقاله‌ای باعنوان *"An Investigation of Mystic term on "Conference of the Birds" of Attar on the Basis of Van Doorslaer's Map"* چگونگی ترجمه‌ی اصطلاحات عرفانی را در ترجمه‌ی دیویس بررسی کرده است. صدف خسروشاهی و احمد صدیقی (۲۰۱۷)، نیز در مقاله‌ای باعنوان *"Translation of Persian Mystic Terms into English : a case study of conference of birds by attar"* استراتژی و شیوه‌ی مترجمان را برای انتقال اصطلاحات عرفانی در ترجمه‌ی دیک دیویس (۱۹۸۴)، بررسی کرده‌اند. همچنین حمیده مزینانی (۲۰۱۱)، در قالب پایان‌نامه دلایل انتقال یا حذف بخش‌هایی از متن اصلی در ترجمه‌ی فیتز جرال را بررسی کرده است. فاطمه قاسمی (۲۰۱۸)، هم در پایان‌نامه‌ی خود با تمرکز بر بخش «۷وادی» از منطق/طیر و طبق الگوی لغور، به بررسی استراتژی دیک دیویس از اصطلاحات عرفانی پرداخته است. طبق بررسی‌های

نگارندگان، نمونه‌ای از بررسی و قیاس همزمان دو ترجمه با هدف ارزیابی برداشت درست مترجم از متن منطق‌الطیر در پایگاه‌های استنادی وجود ندارد.

۲. بحث اصلی

در بررسی ترجمه‌های وُلپی و دیویس از منطق‌الطیر، خطاهای ترجمه بر اساس شکل بروز خطا در چهار محور قابل بررسی هستند:

۲.۱. خوانش نادرست متن مبدأ

نگارندگان در بررسی ترجمه‌ها با خطاهایی مواجه شدند که در اثر خوانش نادرست متن مبدأ بروز کرده‌اند. در این حالت مترجم به دلیل خوانش نادرست متن مبدأ از فهم و انتقال معنای درست آن بازمانده است.

۲.۱.۱. بیت ۱۵۲۰ از نسخه‌ی شفیع‌ی کدکنی و ۱۵۱۲ از نسخه‌ی گوهرین

تو یقین می‌دان که صد عالم گناه از تف یک توبه برخیزد ز راه

Wolpé: Know that a hundred sins dissipate with a single repentance uttered by the mouth.

برگردان فارسی ترجمه‌ی وُلپی: بدان که صد گناه، با یک توبه گفتن به وسیله‌ی دهان از بین می‌رود.

Davis: A world of sin, be sure, shall with contrition's spittle be made pure.

برگردان فارسی ترجمه‌ی دیویس: مطمئن باش که یک دنیا گناه با تُف (آب دهان) ندامت پاک می‌شود.

«تَف» یعنی حرارت، گرمی، بخار و آتش (دهخدا، ۱۳۷۳: ذیل کلمه). بنابراین «تَف توبه» یعنی حرارت و گرمای توبه که گناه را می‌سوزاند و از بین می‌برد. چنان‌که در جای دیگر نیز عطار این مضمون را به کار برده است:

آه‌های آتشینم پرده‌های شب بسوخت بر دل آمد وز تف دل هم زبان، هم لب بسوخت

(عطار، ۱۳۷۶: ۱۵۰)

دیویس در خوانش کلمه‌ی «تَف» به معنای حرارت، دچار اشتباه شده و آن را به صورت «تُف»: spittle خوانده است.

بروز این خطا در ترجمه به دلیل عدم حرکت‌گذاری در رسم الخط و دشواری خوانش خط فارسی است.

۲.۱.۲. بیت ۱۵۱۸ از نسخه‌ی شفیع‌ی کدکنی و ۱۵۱۲ از نسخه‌ی گوهرین

کردم از بهر شفاعت شب‌نمی منتشر بر روزگار او همی

Wolpé: I have drawn dews from the healing ocean and sprinkled it upon him.

برگردان فارسی ترجمه‌ی وُلپی: من از اقیانوس شفا، شب‌نمی بیرون کشیده‌ام و بر او پاشیدم.

نمی‌کردم از بحر شفاعت شب منتشر بر روزگار او همی

Davis: I sprinkled on the fortunes of your sheikh a cleansing dew for intercession's sake.

برگردان فارسی ترجمه‌ی دیویس: برای شفاعت، شب‌نم تطهیرکننده‌ای بر بخت شیخ شما پاشیدم.

«بهر» به معنای «برای» و «بحر» به معنای «دریا» از جمله کلمات هم‌آوا در زبان فارسی هستند. هر دو مترجم در خوانش

این کلمات با توجه به نسخه‌ای که به عنوان نسخه‌ی اصلی معرفی کرده‌اند،^۳ دچار اشکال شده‌اند؛ وُلپی «بهر شفاعت» را

«اقیانوس شفاعت»: healing ocean و دیویس «بحر شفاعت» را «به‌خاطر شفاعت»: for intercession's sake ترجمه کرده که هر دو مصداق عدم وفاداری مترجم به متن مبدأ است.

۲.۲. تخریب شبکه‌های معنایی متن مبدأ

در بافت متن منطق/الطیر معنا عموماً به واسطه‌ی شبکه‌ای از کلمات و ترکیبات شکل می‌گیرد، به این صورت که کلمات در مجاورت هم معنا می‌گیرند و روابط همنشینی بر معنایشان اثر می‌گذارد. در این حالت گاه غفلت از معنای یک کلمه/ ترکیب، سبب فهم نادرست از مفهوم کلمه/ ترکیب همنشین با آن می‌شود. نگارندگان در بررسی ترجمه‌ها به ایرادهایی برخوردند که در اثر بی‌توجهی مترجم نسبت به شبکه‌های معنایی متن مبدأ بروز کرده‌اند.

۲.۲.۱. بیت ۱۴۷۱ از نسخه‌ی شفیع‌ی کدکنی و ۱۴۶۳ از نسخه‌ی گوهرین

این زمان آن خواجه‌ی بسیار درد بر میان زَنار دارد چارکرد

Wolpé: That grieving holy one has wrapped the belt of idolatry tightly around his waist four times.

برگردان فارسی ترجمه‌ی وُلپی: آن مرد مقدس غمگین، چهار بار کمر بندِ بت‌پرستی را محکم به کمرش پیچیده است.

Davis: how the four Acts contrary to all Islamic law Had been performed by him,

برگردان فارسی ترجمه‌ی دیویس: چگونه چهار عملِ خلاف شریعت اسلام توسط او انجام شده بود.

«زَنار» رشته‌مانندی است که بت‌پرستان بر میان بندند، میان‌بندِ کافران (دهخدا، ۱۳۷۳: ذیل کلمه). زَنار در متون کهن در ارتباط با مذهب زرتشتی مطرح است و بعدها با هر دینی غیر از اسلام از جمله مسیحیت پیوند خورده و در نهایت به‌شکل نشانه‌ای در بازشناسی عیسویان از مسلمانان درآمده است. زَنار عبارتست از «کمر بند یا گردن‌بند متصل به صلیب که مسیحیان به خود می‌آویزند. کمربندی که ذمیان مسیحی می‌بستند تا از مسلمانان باز شناخته شوند» (سجادی، ۱۳۸۳: ۴۴۵). البته در اصطلاح صوفیان منظور از «زَنار»، عقد خدمت و بند طاعتِ محبوب حقیقی و نیز کنایه از زلف معشوق است (رک. گوهرین، ۱۳۸۰: ۱۷۱). «چهارکرد» زَناری است که چهار بار بر گرد خود به نشانه‌ی افراط و غلو در کفر و خروج از اسلام بندند (رک. عطّار، ۱۴۰۱: ۵۷۷). ترکیب «زَنار چهارکرد» در شعر سنایی نیز وجود دارد:

بس کس که ز عشق غمزه‌ی او زَنار چهار کرد بر بست

(سنایی، ۱۳۴۱: ۸۱۶)

وُلپی در انتقال مفهوم «زَنار» از معادل the belt of idolatry به معنای «کمر بند بت‌پرستی» استفاده کرده است که تقریباً با مفهوم موردنظر در متن اصلی مطابقت دارد. هرچند در ترجمه‌ی وُلپی اشاره‌ای به «افراط و غلو در کفر و خروج از اسلام» که در «زَنار چار کرد» موردنظر عطّار است، نشده؛ اما در نهایت ترجمه‌ی او دور از مفهوم موردنظر شاعر هم نیست: چهاربار کمر بندِ بت‌پرستی را محکم به کمرش پیچید. دیویس درک درستی از مفهوم «زَنار چار کرد بر میان داشتن» نداشته و آن را به «انجام چهار عمل خلاف شریعت» بازگردانی کرده است! شاید سابقه‌ی ذهنی دیویس از ابیات ۱۳۴۲-۱۳۴۳ نسخه‌ی گوهرین موجب بروز چنین اشکالی شده است:

گفت دختر گر تو هستی مرد کار چار کارت کرد باید اختیار
سجده کن پیش بت و قرآن بسوز خمر نوش و دیده از ایمان بدوز

(عطار، ۲۵۳۶: ۷۵)

البته می‌توان ریشه‌ی این خطا را در اختلاف فرهنگی مترجم و شاعر نیز جستجو کرد. شاید به ذائقه‌ی مترجم مسیحی خوش نیامده تا «زنار» که به‌عنوان نشان دین مسیحیت شناخته می‌شود، در زبان مبدأ نماد کفر انگاشته شود! از این منظر گویی دیویس با حذف اصطلاح «زنار چارکرد» و استفاده از the four Acts contrary to all Islamic law در ترجمه، فرهنگ جامعه‌ی مبدأ را به نفع فرهنگ جامعه‌ی مقصد پنهان کرده است.

۲.۲.۲. بیت ۱۴۸۷ از نسخه‌ی شفیع‌ی کدکنی و ۱۴۷۹ از نسخه‌ی گوهرین

زهد بفروشیم و رسوایی خریم دین براندازیم و ترسایی خریم

Wolpé: to sell our piety and buy disgrace, to jettison our religion and bow before idols.

برگردان فارسی ترجمه‌ی وُلی: تقوای خود را بفروشیم و ننگ بخریم، دین خود را کنار بگذاریم و در برابر بت‌ها تعظیم کنیم.

Davis: We should exchange the honours of belief for odium and scorn; we should accept The Christian cult our sheikh could not reject.

برگردان فارسی ترجمه‌ی دیویس: ما باید افتخارات اعتقادی را با رسوایی و تحقیر عوض کنیم. ما باید فرقه مسیحی را بپذیریم که شیخ ما نمی‌توانست رد کند.

«ترسایی خریدن» که در تکمیل مفهوم «دین برانداختن» و هم‌ارز با آن در بافت داستان شیخ‌صنعان مطرح شده است، نوعی خروج از دین (کفر ورزیدن) محسوب می‌شود. وُلی «ترسایی خریدن» را به‌صورت «تعظیم در برابر بت‌ها» انتقال داده که هرچند سبب شکست ارتباط معنایی میان «دین برانداختن» و «ترسایی خریدن» شده است؛ اما کلیت ترجمه چندان هم دور از مفهوم متن اصلی نیست. دیویس با انتخاب accept The Christian cult به‌جای «ترسایی خریدن» از یک سو و حذف قرینه‌ی «دین برانداختن» از سوی دیگر، هیچ نشانی از کفر (خروج از دین) را در متن مقصد نمود نداده است. شاید بتوان اختلاف فرهنگی مترجم و شاعر را علت این مسئله دانست. به نظر می‌رسد رویکرد مترجم مسیحی در انتقال مفهوم کنایی «ترسایی خریدن» که در متن اصلی هم‌ارز با مفهوم «دین برانداختن» طرح شده است، تعدیل متن به نفع فرهنگ جامعه‌ی مقصد است.

۲.۲.۳. بیت ۱۳۹۷ از نسخه‌ی شفیع‌ی کدکنی و بیت ۱۳۹۰ از نسخه‌ی گوهرین

گفت خذلان قصد این درویش کرد عشق ترسازاده کار خویش کرد

Wolpé: He cried: "Grace has finally abandoned this dervish. Love of a Christian girl has done its work.

Davis: He said: "This dervish has been well betrayed;⁴ The agent was mere passion for a maid.

برگردان فارسی ترجمه‌ی وُلی: او (شیخ) فریاد زد: بالأخره خوشی (بخت، زیبایی، مهربانی...) این درویش را رها کرده است. عشق یک دختر مسیحی کار خودش را کرده است.

برگردان فارسی ترجمه‌ی دیویس: او (شیخ) گفت: به این درویش به‌خوبی خیانت شده است / این درویش کاملاً به دشمن تسلیم شده است. مأمور (گماشته) صرفاً علاقه‌مند به خدمتکار بود.

«خذلان» نقطه‌ی مقابل لطف است، آنچه خداوند در حق متقی از توفیق فراهم می‌آورد و در حق عاصی انجام نمی‌دهد و بدین صورت کار مخدول به گناه می‌کشد (رک. عطار، ۱۴۰۱: ۵۷۳). «قصد کسی کردن» یعنی قصد جان (قتل) کسی را کردن (دهخدا، ۱۳۷۳: ذیل کلمه). بر این اساس معنای مصراع نخست بیت چنین است: خذلان قصد هلاک این درویش را کرد. وُلپی در انتقال اصطلاح «خذلان» با استفاده از کلمه‌ی Grace^۵ ساختاری را فراهم آورده که چندان هم از متن مبدأ دور نیست. Grace در زبان و فرهنگ مقصد در بردارنده‌ی مفهوم «لطف/توفیق» در زبان مبدأ است و وُلپی با استفاده از امکانات زبان مقصد، مفهوم «خذلان» را در Grace has abandoned بازتولید کرده است. در ترجمه‌ی دیویس نه تنها مفهوم «خذلان» از مصراع نخست منعکس نیست؛ بلکه مصراع دوم نیز به‌هیچ‌وجه با متن مبدأ مطابقت ندارد.

۲. ۳. تخریب ساختار نحوی متن مبدأ

یکی از دشواری‌های فهم شعر، دشواری درک زبان ادبی آن به دلیل وجود ساخت‌های نحوی پیچیده است. گاه در شعر فارسی شاهد جابه‌جایی‌هایی در سازه‌های نحوی هستیم که درک شعر را برای مخاطب دشوار می‌کند و سبب ایجاد ابهام، لغزش و برداشت‌های نادرست از متن می‌شود. در ترجمه‌های دیویس و وُلپی نیز نمونه‌هایی از این نوع خطای ترجمه وجود دارد.

۲. ۳. ۱. بیت ۱۲۶۸ از نسخه‌ی شفیع‌ی کدکنی و بیت ۱۲۶۱ از نسخه‌ی گوهرین

بخت کو تا عزم بیداری کند یا مرا در عشق او یاری کند

Wolpé: Where is good fortune to smile on me^۶ or aid me in my love?

Davis: Where is the luck to waken me, or move Love's idol to reciprocate my love?

برگردان فارسی ترجمه‌ی وُلپی: خوشبختی کجاست که به من لبخند بزند یا در عشقم به من کمک کند؟

برگردان فارسی ترجمه‌ی دیویس: بخت کجاست که مرا بیدار کند یا بت عشق را برای جبران عشق من بجنبد؟

در زبان مبدأ «بخت بیدار» یا «بیدار بخت» در تقابل با «بخت خوابیده» و به معنای خوشبخت است (دهخدا، ۱۳۷۳: ذیل کلمه). درک وُلپی از ساختار کنایی مصراع نخست درست است و آن را با استفاده از امکانات زبان مقصد (استفاده از لبخند خوشبختی به جای بیداری بخت) به مخاطب انتقال داده است؛ اما دیویس با نسبت دادن صفت «بیدار» به «شیخ»، به دلیل تغییر ساختار نحوی، از انعکاس معنای کنایی متن باز مانده است: بخت کجاست که مرا بیدار کند؟ راهکار دیویس در انتقال مصراع دوم نیز انتقال معنای نسبی با استفاده از امکانات زبان مقصد است: یا بت عشق را برای جبران عشق من حرکت دهد؟

۲. ۳. ۲. بیت ۱۱۹۳ از نسخه‌ی شفیع‌ی کدکنی و ۱۱۸۷ از نسخه‌ی گوهرین:

هر مریدی کآن او بود ای عجب می‌نیاسود از ریاضت روز و شب

Wolpé: who studied with him day and night.

برگردان فارسی ترجمه‌ی وُلپی: که شبانه‌روزی نزد او درس می‌خواندند.

Davis: He mortified his body night and day.

برگردان فارسی ترجمه‌ی دیویس: او شب و روز بدنش را ریاضت می‌داد.

«مرید» فاعلِ «نیاسودن» در متن مبدأ است. دیویس با حذف مصراع نخست و انتخاب he به‌عنوان فاعلِ مصراع دوم، گویی «ریاضت کشیدن» را به شیخ («او» در مصراع نخست) برگردانده است، نه مریدان. هرچند ترجمه‌ی وُلپی در انتقال مفهوم «ریاضت کشیدن» با استفاده از معادل study توفیق چندانی نداشته؛ اما با به‌کاربردن ضمیر موصولی who به‌جای مصراع نخست، به متن مبدأ نزدیک‌تر است.

۲.۳.۳. بیت ۱۲۳۸ از نسخه‌ی شفیع‌ی کدکنی و ۱۲۳۱ از نسخه‌ی گوهرین:

شیخ ایمان داد و ترسای‌ی خرید عافیت بفروخت رسوایی خرید

Wolpé: In this way, the old man exchanged his faith for a Christian girl; he sold his soul's welfare and purchased his own shame.

برگردان فارسی ترجمه‌ی وُلپی: به این ترتیب پیرمرد، ایمانِ خود را با دختری مسیحی عوض کرد. او سعادتِ روح خود را فروخت و شرمِ خویش را خرید.

Davis: The sheikh exchanged religion's wealth for shame.

برگردان فارسی ترجمه‌ی دیویس: شیخ، ثروت دین را با شرم عوض کرد.

در مصراع نخست «ترسای‌ی خریدن» هم‌ارز با «ایمان دادن» طرح شده است. در این حالت «ترسای‌ی خریدن» نوعی خروج از دین (کفر) محسوب می‌شود. دیویس از مصراع نخست تنها کلمه‌ی «شیخ» را، به‌عنوان فاعلِ مصراع دوم، در ترجمه انتقال داده است. ریشه‌ی این حذف را می‌توان در اختلاف فرهنگی مترجم و شاعر جستجو کرد. گویا مترجم مسیحی خوش ندارد که «ترسای‌ی خریدن» در متن مبدأ به معنای «خروج از دین و کفر» انگاشته شود و رویکرد او در انتقال مصراع نخست، تعدیل متن به نفع فرهنگ مقصد است؛ اما ایراد ترجمه‌ی وُلپی، انتقال یاء مصدری/ نسبت در «ترسای‌ی» به‌صورت یاء نکره است. در این حالت «ترسای‌ی خریدن» که در متن اصلی به معنای «خروج از دین و کفر» است، به‌شکل «خواستار دختری مسیحی شدن» در متن مقصد انعکاس یافته است. استفاده از the old man به‌جای «شیخ» نیز نمود نارسایی متن در ترجمه است.

۲.۳.۴. بیت ۱۵۳۶-۱۵۳۷ از نسخه‌ی شفیع‌ی کدکنی و ۱۵۲۸-۱۵۲۹ از نسخه‌ی گوهرین

چون بدیدند آنچنان اصحابناش مانده در اندوه و شادی مبتلاش

پیش او رفتند سرگردان همه وز پیِ شکرانه جان‌افشان همه

Wolpé: When his disciples saw him in such a state, they were stunned with grief and bliss. They greeted⁷ him amazed and thankful.

برگردان فارسی ترجمه‌ی وُلپی: شاگردانش چون او را در چنین حالتی دیدند، آن‌ها از غم و سعادت مات و مبهوت بودند. ایشان متعجب و شاکر به او تبریک و درود گفتند.

Davis: They reeled⁸ between despair and joy – bewildered they drew near and sighed; From gratitude they gladly would have died.

برگردان فارسی ترجمه‌ی دیویس: آن‌ها بین ناامیدی و شادی سرگردان شدند. آن‌ها درحالی‌که گیج شده بودند، نزدیک شدند و آه کشیدند و از قدردانی (شکر) با شادی می‌مردند.

«اصحابناش» به معنی «یارانِ او» است (رک. عطار، ۱۴۰۱: ۵۸۴). در مصراع دوم ضمیر «ش» به شیخ بازمی‌گردد و نقش مفعولی دارد: چون اصحابناش او را مانده در اندوه و شادی مبتلا دیدند. به این ترتیب مصراع دوم، وصف حالتِ شیخ (توضیح «آن‌چنان» در مصراع نخست و چگونگی عمل دیدن) است. حال آنکه هر دو مترجم، مصراع دوم را توصیف حالتِ اصحاب و نقش ضمیر «ش» در این مصراع را مضاف‌الیه‌ی در نظر گرفته‌اند؛ البته فارغ از تشخیص نادرست مرجع ضمیر «ش»، استفاده‌ی دیویس از فعل *reel* نیز مصداق نارسایی در انتقال مفهوم «سرگردانی» است.

«جان افشان» یعنی «آنکه جان را در راه کسی یا چیزی بدهد (فدا کند)» (دهخدا، ۱۳۷۳: ذیل کلمه). ترجمه‌ی دیویس از ترکیب «وز پی شکرانه جان‌افشان شدن» به متن مبدأ نزدیک است: *they gladly would have died* اما در ترجمه‌ی وُلپی از مصراع «وز پی شکرانه جان‌افشان همه»، نشانی از مفهوم جان‌فشانی و در نتیجه انطباقی میان متن مبدأ و مقصد وجود ندارد: *They greeted him amazed and thankful*

۲.۴. تخریب ساختار بلاغی متن مبدأ

علاوه بر وجود ساخت‌های نحوی پیچیده در شعر، وجود ساخت‌های بلاغی متنوع نیز خواننده را در درک درست آن با چالش مواجه می‌کند. ساخت‌های بلاغی (تشبیهات، استعارات، کنایه‌ها...) معمولاً در متون ادبیات فارسی در بستری از فرهنگ جامعه‌ی زبانی شاعر شکل می‌گیرند. بر این اساس گاه اشراف نداشتن یا غفلت از زیرساخت‌های فرهنگی متن مبدأ سبب دریافت نادرست از ساخت‌های بلاغی و در نتیجه درک نادرست معنای متن می‌شود. نگارندگان در بررسی‌ها متوجه اشکالاتی در ترجمه شدند که به دلیل فهم نادرست از ساخت‌های بلاغی متن مبدأ بروز کرده‌اند.

۲.۴.۱. بیت ۱۳۳۲ از نسخه‌ی شفیع‌ی کدکنی و ۱۳۲۵ از نسخه‌ی گوهرین:

بیش ازین بر جان این مسکین مزن در فتوح او لگد چندین مزن

Wolpé: Don't kick⁹ this poor wretch's soul anymore, don't trample¹⁰ him like a conqueror.

برگردان فارسی ترجمه‌ی وُلپی: دیگر به روح این بدبخت لگد زن، همانند یک فاتح او را لگدمال نکن.

Davis: You need not try to humble wretchedness, or kick the foe Who in the dust submissively bows low.

برگردان فارسی ترجمه‌ی دیویس: لازم نیست برای یک فروتن بدبخت تلاش کنی یا به دشمنی که در خاک فروتنانه خم می‌شود، لگد بزنی.

«فتح» در اصطلاح گشایش مقام قلب و ظهور صفای دل و کمالات آن به وقت قطع منازل و نیز ظهور علم بر بنده است (رک. سجادی، ۱۳۸۳: ۶۱۷). در اینجا «فتح» کنایه از لحظه‌ی خوش و حالِ شگرف است؛ یعنی عشق تو همانند گشایش و حالِ خوش برای من است. «لگد در فتوح مزن» یعنی بر این گشایش (حال خوش)، لگد مزن و آن را نابود مکن» (عطار، ۱۴۰۱: ۵۶۸). «بر کسی زدن» نیز به معنای توجه کردن به اوست (معین، ۱۳۸۶: ذیل کلمه). وُلپی «بر جان مسکین مزن» را با *Don't kick this poor* و «لگد در فتوح او مزن» را با *don't trample him* معادل‌سازی کرده که گواه فهم نادرست معنای کنایه‌های یاد شده است. دیویس در انتقال مصراع نخست از وُلپی موفق‌تر عمل کرده و آن را به صورت *You need not try to humble wretchedness* انتقال داده؛ اما در فهم و انتقال مصراع دوم او نیز دچار مشکل شده است:

You need not try to kick the foe Who in the dust submissively bows low

۲. ۴. ۲. بیت ۱۳۲۷ از نسخه‌ی شفیع‌ی کدکنی و ۱۳۳۰ از نسخه‌ی گوهرین:

بی تو بر جانم جهان بفروختم کیسه بین کز عشق تو بردوختم

Wolpé: I've sold my soul and my world for you, sold it all for just a sackful of love for you.

برگردان فارسی ترجمه‌ی وُلپی: من روح و دنیایم را برای تو فروخته‌ام، همه را فقط به‌خاطر کیسه‌ای عشق به تو فروختم.

Davis: I weep and groan. see what a sack of sorrow I have sewn!

برگردان فارسی ترجمه‌ی دیویس: گریه و ناله می‌کنم. ببین چه کیسه‌ای از اندوه دوخته‌ام.

«جهان بر کسی یا چیزی فروختن» کنایه از سخت‌گرفتن و آزدن و به‌غایت رنجاندن است. در این بیت «بی تو بر

جانم جهان بفروختم» یعنی دور از تو جانِ خویش را به غایت آزدم و او را سخت رنجاندم (رک. عطار، ۱۴۰۱: ۵۶۷-۵۶۸).

شواهد دیگری نیز از کاربرد «جهان بر ... فروختن» در زبان عطار وجود دارد:

گر فروشی بر من غم‌کش جهان هر سر مویم خریداری شود

(عطار، ۱۳۷۶: ۳۳۹)

به عدلت باز خر این نیم جان را و گر نه بر تو بفروشم جهان را

(همان، ۱۳۶۱: ۵۶)

در دیوان سنایی نیز تعبیر «جهان یا عالم بر ... فروختن» وجود دارد:

تا بر آن روی چو ماه آموختم عالمی بر خویشتن بفروختم

(سنایی، ۱۳۴۱: ۳۵۸)

«کیسه از چیزی بردوختن» نیز کنایه از سود بردن است (رک. عطار، ۱۴۰۱: ۵۶۸). در لغت‌نامه‌ی دهخدا نیز ذیل مدخل

«کیسه» و در توضیح «کیسه بردوختن» آمده است: به خود وعده‌ی انتفاعی دادن؛ طمع بستن، انتظار از کسی یا از نتیجه‌ی

کاری داشتن... نمونه‌های متعددی از کاربرد این تعبیر در ادبیات فارسی وجود دارد:

کیسه‌ای دادیم درین شبها که در آن وام صحبت اندوزم

روزها رفت و من نمی‌دانم که بر آن کیسه کیسه بر دوزم

(انوری، ۱۳۶۴: ۴۲۴)

بر وفای سپهر کیسه مدوز کایچ گنبد نگه ندارد گوز

(سنایی، ۱۳۲۹: ۴۳۷)

ترجمه‌ی وُلپی در هر دو مصراع، خلاف متن مبدأ است. او در ترجمه‌ی مصراع نخست با استفاده از حرف ربط and

میان کلمات my world و soul ترکیب کنایی «جهان بر جان فروختن» را به‌صورت «جان و جهان را فروختن» و بخش

نخست مصراع یعنی «بی تو» را به‌صورت for you: «برای تو» تغییر داده است. در ترجمه‌ی مصراع دوم نیز ضمن حذف

مفهوم کنایی «کیسه دوختن»، با ایجاد ارتباط میان دو مصراع آورده است: جان و جهانم را برای کیسه‌ای عشق فروختم.

در واقع در ترجمه‌ی وُلپی مصراع دوم، دلیل مصراع نخست است. حال آنکه در متن مبدأ این دو مصراع از نظر نحوی و

معنایی از هم مستقل هستند. در ترجمه‌ی دیویس از مصراع نخست، با اندکی تساهل می‌توان نمودی از فهم درست متن

مبدأ را دریافت؛ چنان‌که گفته شد، «جهان بر جان فروختن» یعنی آزرده‌ی جان. دیویس با درک مفهوم «رنجیدنِ جان» آورده است: I weep and groan اما در ترجمه‌ی وی از مصراع دوم هیچ نشانه‌ای از مفهوم «انتظارِ نفع بردن» و انطباق با متن مبدأ وجود ندارد: see what a sack of sorrow I have sewn!

۲. ۴. ۳. بیت ۱۳۹۶ از نسخه‌ی شفیع‌ی کدکنی و بیت ۱۳۸۹ از نسخه‌ی گوهرین

بعد چندین سال ایمانِ درست این چنین نوباوه رویش باز شست

Wolpé: After many years of righteous faith, this is how he was washed clean of it all
Davis: After so many years of true belief, a young girl brought this learned sheikh to grief.

برگردان فارسی ترجمه‌ی وُلپی: پس از سال‌ها ایمانِ درست و حسابی، این‌گونه از همه آن‌ها شُسته شد.

برگردان فارسی ترجمه‌ی دیویس: پس از سال‌ها اعتقاد واقعی، دختر جوانی این شیخِ عالم را به اندوه آورد.

«روی باز شستن» کنایه از فریب دادن است (رک. عطار، ۱۴۰۱: ۵۷۲). «نوباوه» یعنی هر چیز نورس، به‌ویژه چیزی که دیدنش خوشایند چشم و پسند طبیعت باشد (رک. عطار، ۲۵۳۶: ۳۶۴). در این بیت منظور از «نوباوه»، دختر ترسا است و ضمیر «ش» نیز به شیخ بازمی‌گردد. مفهوم کلی بیت چنین است: دختر ترسا، شیخ را پس از اینکه سال‌ها مؤمن حقیقی بود، فریفت. دیویس با درک درست منظور شاعر از «نوباوه» آن را به‌صورت a young girl انتقال داده است؛ اما نشانی از مفهوم فریب خوردن/ دادن در ترجمه‌ی او نیست. اما وُلپی با حذف «نوباوه» از مصراع دوم (تبدیل جمله‌ی معلوم به مجهول) مفهوم فریب خوردن/ دادن را به‌صورت «شسته شدنِ شیخ از ایمان» ترجمه کرده است. هرچند در این حالت، معنای موجود در متن مقصد، به‌خصوص در ارتباط با مصراع نخست، نادرست نیست؛ اما بازتاب دقیقی هم از زبان و اندیشه‌ی شاعر نیست.

۲. ۴. ۴. بیت ۱۲۳۶ از نسخه‌ی شفیع‌ی کدکنی و ۱۲۲۹ از نسخه‌ی گوهرین:

هرچه بودش، سر به سر نابود شد ز آتش سودا دلش چون دود شد

Wolpé: All that he once was, all he had possessed, vanished and was uprooted. Love's fire smoldered his heart into smoke.

برگردان فارسی ترجمه‌ی وُلپی: تمام آنچه او زمانی بود، تمام آنچه داشت، ناپدید و ریشه‌کن شد. آتش عشق، قلبش را دود کرد.

Davis: In that sad instant all he had been fled and passion's smoke obscured his heart and head.

برگردان فارسی ترجمه‌ی دیویس: در آن لحظه‌ی غم‌انگیز، تمام وجود او از دست رفت و دود عشق، قلب و سر او را در بر گرفت.

ترجمه‌ی وُلپی از بیت چندان دور از متن مبدأ نیست؛ اما ترجمه‌ی دیویس به‌دلیل تخریب تشبیهات موجود در مصراع دوم («آتش سودا» و «دل چون دود») با متن مبدأ مطابقت ندارد.

از آنجاکه گاه خطاهای موجود در ترجمه‌ها، به‌صورت هم‌زمان ذیل دو محور (دو شکل بروز خطا) قابل بحث هستند، در ادامه به‌منظور تسهیل بررسی و قیاس دقیق‌تر، اشکالات ترجمه‌ها در قالب جدول و به‌صورت تفکیک شده، ارائه می‌شود. در قسمت عملکرد مترجمان با استفاده از دو نشانه‌ی × یا ✓ تطابق ترجمه با متن اصلی، رد یا تأیید شده است.

جدول شماره‌ی ۱: «بررسی و مقایسه‌ی خطاهای مترجمین در داستان شیخ صنعان»

شکل بروز خطا	مورد خطا	عملکرد مترجمان	دلیل بروز خطا
تخریب شبکه‌های معنایی متن مبدأ	۱	وَلِی	✓
		دیویس	×
	۲	وَلِی	✓
		دیویس	×
	۳	وَلِی	✓
		دیویس	×
تخریب ساختار بلاغی متن مبدأ	۱	وَلِی	×
		دیویس	×
	۲	وَلِی	×
		دیویس	×
	۳	وَلِی	×
		دیویس	×
	۴	وَلِی	×
		دیویس	×
	۵	وَلِی	✓
		دیویس	×
	۶	وَلِی	×
		دیویس	×
	۷	وَلِی	✓
		دیویس	×
	۸	وَلِی	×
		دیویس	×
خوانش نادرست متن مبدأ	۱	وَلِی	✓
		دیویس	×
	۲	وَلِی	×
تخریب ساختار نحوی متن مبدأ	۱	وَلِی	✓
		دیویس	×
	۲	وَلِی	×
		دیویس	×
	۳	وَلِی	✓
		دیویس	×
	۴	وَلِی	✓
		دیویس	×
	۵	وَلِی	×
		دیویس	×
	۶	وَلِی	×
		دیویس	×

۳. نتیجه‌گیری

در این پژوهش ترجمه‌های شعله و لپی و دیک دیویس از منطق‌الطیر عطار با تمرکز بر داستان شیخ صنعان ارزیابی و آسیب‌شناسی شده است. در ترجمه‌های یادشده، خطای مترجمان ذیل چهار محور اصلی قابل بررسی است: خوانش نادرست متن مبدأ، تخریب شبکه‌های معنایی متن مبدأ، تخریب ساختار نحوی متن مبدأ و تخریب ساختار بلاغی متن مبدأ. بیشتر اشکالات موجود در دو ترجمه، پیامد تخریب ساختار بلاغی و نحوی متن مبدأ هستند؛ تخریب ساختار بلاغی معمولاً در اثر فهم نادرست مفاهیم کنایی بروز کرده که ضعف اصلی هر دو ترجمه هم در همین حوزه است. همچنین ناتوانی مترجمان در تشخیص مرجع ضمائر و نقش ضمائر متصل سبب تخریب ساختار نحوی و در نتیجه تغییر متن در ترجمه شده است. البته مقایسه‌ی دو ترجمه نشان می‌دهد که و لپی در فهم و انتقال درست ساختارهای نحوی به مراتب موفق‌تر از دیویس است. از دیگرسو نداشتن حرکت‌گذاری و وجود کلمات هم‌آوا در زبان فارسی مترجمان را در خوانش متن مبدأ و در نتیجه درک و انتقال درست متن مبدأ به چالش کشیده است. این چالش برای مترجم غیرفارسی‌زبان (دیویس) پررنگ‌تر است. ضمن اینکه در ترجمه‌ی دیویس شواهدی نیز از پای‌بند نبودن مترجم به متن مبدأ و تعدیل آن به نفع فرهنگ جامعه‌ی مقصد وجود دارد. در این حالت موضع‌گیری فرهنگی مترجم سبب تخریب شبکه‌های معنایی متن مبدأ در ترجمه شده است. به‌طورکلی یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که و لپی در فهم منطق‌الطیر نسبت به دیویس کمتر دچار خطا شده و از این حیث ترجمه‌ی و لپی نسبت به دیویس به متن مبدأ (زبان و اندیشه‌ی عطار) نزدیک‌تر است.

یادداشت‌ها

1. This translation is based on the edition edited by Mohammad-Reza Sha'fi Kadkani, Sokhan Press, Tehran, tenth printing, 1388 (2009 Gregorian calendar). Most of the footnotes are also sourced from this edition. (Attar, 2017: 433).
2. This translation has been made from the edition of Attar's Manteq at-Tair prepared by Dr Sadegh Gouharin, Tehran, 1978. (Attar, 1984: 41)
۳. ترجمه‌ی و لپی بر اساس نسخه‌ی شفیع‌ی کدکنی و ترجمه‌ی دیویس بر اساس نسخه‌ی گوهرین است.
4. betray: To give up to, or place in the power of an enemy, by treachery or disloyalty. (OED)
5. Grace: approval or kindness, especially (in the Christian religion) that is freely given by God to all humans. (CD)
6. fortune smiles on someone: If fortune smiles on you, you are lucky and good things happen to you. (CD)
7. greet: to welcome someone with particular words or a particular action, or to react to something in the stated way. (CD)- Weeping, lamentation; also, a cry of sorrow. (OED)
8. reel: to walk, moving from side to side, looking like you are going to fall. (CD) – to be emotionally or psychologically shaken by an event, experience, etc. (OED)
9. kick: to hit someone or something with the foot. (C.D)
10. trample: to step heavily on something or someone, causing damage or injury. (C.D)

منابع

- انوری، محمدبن محمد. (۱۳۶۴). دیوان اشعار. تصحیح و مقدمه سعید نفیسی، تهران: سکه پیروز.
- بیکر، مونا؛ سالدنیا، گابریلا. (۱۳۹۶). دایره‌المعارف مطالعات ترجمه. ترجمه‌ی حمید کاشانیان، تهران: نشر نو.
- پورنامداریان، تقی. (۱۳۹۴). دیدار با سیمرغ. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۳). لغت‌نامه. (۱۵جلد). تهران: دانشگاه تهران.

دیویس، دیک. (۱۳۷۶). «مصاحبه با دیک دیویس». مترجم، شماره‌های ۲۳ و ۲۴، صص ۲۱-۲۹.

<https://motarjemjournal.ir/2020/07/2638>

رزمجو بختیاری، شیرین. (۱۴۰۰). «بررسی ترجمه‌ی انگلیسی غزلی از حافظ بر پایه‌ی برداشت درست از متن». شعر

پژوهی (بوستان ادب)، سال ۱۳، شماره‌ی ۲، صص ۸۵-۱۲۰. doi: 10.22099/jba.2020.37274.3770

سجادی، سیدجعفر. (۱۳۸۳). فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی. تهران: طهوری.

سعدی، مصباح‌بن عبدالله. (۱۳۷۸). بوستان. شرح و توضیح رضا انزابی‌نژاد و سعید قره‌بگلو، تهران: جامی.

سنایی غزنوی، مجدودبن آدم. (۱۳۲۹). حدیقه‌الحقیقه و شریعه‌الطریقه. تصحیح مدرس رضوی، ج ۱، تهران: چاپ سپهر.

_____ (۱۳۴۱). دیوان اشعار. به‌اهتمام مدرس رضوی، تهران: ابن سینا.

شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۱). «در ترجمه‌ناپذیری شعر». ایران‌شناسی، سال ۱۴، شماره‌ی ۵۶، صص ۷۴۳-۷۴۹.

<http://noo.rs/nqowm>

صفوی، کورش. (۱۴۰۰). هفت گفتار درباره‌ی ترجمه. تهران: مرکز.

صلح‌جو، علی. (۱۴۰۰). از گوشه و کنار ترجمه. تهران: مرکز.

عطار، فریدالدین محمد. (۱۳۶۱). اسرارنامه. تصحیح سید صادق گوهرین، تهران: زوآر.

_____ (۱۳۷۶). دیوان عطار. به‌اهتمام بدیع‌الزمان فروزانفر، تهران: نخستین.

_____ (۱۳۸۶). مختارنامه. تصحیح و تعلیقات شفیع کدکنی، تهران: علمی.

_____ (۱۴۰۱). منطق‌الطیر. مقدمه و تصحیح و تعلیق محمدرضا شفیع کدکنی، تهران: سخن.

_____ (۲۵۳۶). منطق‌الطیر. به‌اهتمام سیدصادق گوهرین، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

فروزانفر، بدیع‌الزمان. (۱۳۵۳). شرح احوال و نقد و تحلیل آثار شیخ فریدالدین محمد عطار نیشابوری. تهران: مروی.

قاسمی، فاطمه. (۱۳۹۶). ترجمه‌ی بعضی مفاهیم خاص عرفانی از فارسی به انگلیسی: مطالعه‌ی موردی ترجمه‌ی منطق‌الطیر

بر اساس مدل لفور، پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس.

گوهرین، سیدصادق. (۱۳۸۰). شرح اصطلاحات تصوف. ج ۶، تهران: زوآر.

مزیانی، حمیده. (۱۳۹۰). تأثیر ایدئولوژی بر نقش و محتوای ترجمه‌ی منطق‌الطیر در دوره ویکتوریا. پایان‌نامه‌ی

کارشناسی‌ارشد دانشگاه بیرجند.

معین، محمد. (۱۳۸۶). فرهنگ معین. (یک‌جلدی فارسی). تهران: زرین.

Attar. Farīd-Ud-Dīn. (1984). *The Conference of the Birds* (Dick, Davis and Afkham, Darbandi, Trans.). Penguin Books, ISBN 0140444343.

_____. (2013). *The Canticle of the Birds: Illustrated Through Persian and Eastern Islamic Art* (Dick, Davis and Afkham, Darbandi, Trans.). Diane de Sellier, ISBN 2364370310.

_____. (2017). *The Conference of the Birds* (Sholeh, Wolpé, Trans.). W. W. Norton & Company, ISBN 9780393292183.

Khosroshahi, S., & Sedighi, A. (2017). Translation of Persian Mystic Terms into English: A Case Study of Conference of the Birds by Attar. *Theory & Practice in Language Studies (TPLS)*, 7(7).

- Noie, S. (2018). An Investigation of Mystic term on “Conference of the Birds” of Attar on the Basis of Van Doorslaer’s Map. *Budapest International Research and Critics in Linguistics and Education (BirLE) Journal*, 1(1), 1-10.
- Simpson, J. & Weiner, E. (1989). *Oxford English Dictionary*: OED. Oxford University Press.
- Walter, E. (1995). *Cambridge Advanced Learner's Dictionary*: CD. Cambridge University Press .
- Wüsch, R. (2011). ‘*Aṭṭār and the Persian Sufi Tradition*. The Art of Spiritual Flight, by Leonard Lewisohn and Christopher Shackle, eds.